



**امیر خانی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی شد**

رئیس جمهور با صدور حکمی، غلامرضا امیر خانی را به‌عنوان رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منصوب کرد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، مسعود پزشکیان در حکم انتصاب غلامرضا امیر خانی به‌عنوان رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تصریح کرده، امید است با اتکال به خداوند متعال و در چارچوب قانون اساسی، اهداف سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی مصوب مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، برنامه هفتم پیشرفت و رعایت منشور اخلاقی کارگزاران دولت چهاردهم؛ با اتخاذ تدابیر متناسب و نظارت متقن بر حسن اجرای امور مبتنی بر قوانین مصوب در جهت پیشبرد اهداف و مأموریت‌های سازمان اقدام نمایند. در بخشی از متن حکم رئیس جمهور همچنین آمده است، امیر خانی به استناد تبصره (۲) ماده (۵) قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۸/۰۲ مجلس شورای اسلامی؛ مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۰۶/۰۲ شورای عالی اداری و تأیید هیئت‌امنی آن سازمان، به‌عنوان رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منصوب شده است.



**۱۸۵ نفر؛ شمار شهدای رسانه در غزه**

با تأیید خبر شهادت یک خبرنگار دیگر توسط رژیم صهیونیستی، تعداد شهدای رسانه در پی بیش از یک‌سال حملات بی‌وقفه اسرائیل به نوار غزه، به رقم هولناک ۱۸۵ نفر رسید. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، دفتر رسانه‌ای دولت غزه در بیانیه‌ای اعلام کرد که خالد ابوزیر، روزنامه‌نگار و کارمند یکی از رادیوهای محلی، آخرین شهید از جامعه رسانه در این باریکه تحت محاصره است. این دفتر از جامعه جهانی و گروه‌های مختلف مطبوعاتی درخواست کرد که تجاوز اسرائیل را متوقف کرده و این رژیم را به دلیل جنایاتش علیه فلسطینیان به‌ویژه روزنامه‌نگاران، در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه کنند. براساس اعلام کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران (CPJ)، خبرنگاران در این جنگ، بیش از هر درگیری دیگری در سده‌های اخیر کشته شده‌اند. انتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل، در موضع‌گیری اخیر خود اعلام کرد که باید از «صدای خبرنگاران در غزه محافظت شود و آزادی مطبوعات تضمین گردد.» او همچنین گفت: «ممنوعیت مداوم که مانع از ورود خبرنگاران بین‌المللی به غزه می‌شود، حقیقت رابیش‌ازپیش خفه می‌کند.»



**درگذشت تونی تاد**

تونی تاد، بازیگر پرکار آمریکایی با بیش از ۲۰۰ نقش آفرینی در سینما و تلویزیون از جمله فیلم‌های «پلیتون»، «مقصد نهایی»، «صخره» و «کندی من» در ۶۹ سالگی درگذشت. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، تاد که در سال ۱۹۵۴ در واشینگتن دی‌سی به دنیا آمد، نقش آفرینی در صدها اثر تلویزیونی و سینمایی را در کارنامه دارد. یکی از اولین نقش‌های او، گروهان وارن معتاد به هرئین در درام جنگی برنده اسکار «پلیتون» ساخته الیور استون بود. او همچنین در سال ۱۹۹۶ در فیلم «صخره» در مقابل نیکلاس کیج ظاهر شد و در سری فیلم‌های «مقصد نهایی» و فیلم «کلاغ» نیز بازی کرد. تاد همچنین در تلویزیون در بسیاری از سریال‌های محبوب ظاهر شد؛ از جمله «۲۴»، «قتل: زندگی در خیابان»، «پرورنده‌های مچول»، «خیابان ۲۱ جامپ»، «دادگاه شب»، «مک‌گیور»، «ماتلاک»، «نظم و قانون»، «پورلی هیلز ۹۰۲۱۰» و «رینا: شاهزاده خانم جنگجو و قتل».

**سینمای ایران**

**گفت‌وگو با شهرام قائدی بازیگر فیلم «آنها مرا دوست داشتند»**

**فقط در ارتفاع پست موقعیت بازی داشتیم**



رضا صائمی خبرنگار گروه فرهنگ

شهرام قائدی در فیلم «آنها مرا دوست داشتند» به کارگردانی محمدرضا رحمانی که این روزها بر پرده اکران است، در نقش مکمل بازی می‌کند اما جنس بازی‌اش بلندتر از کوتاهی نقش‌اش است. بازیگری که به نظر می‌رسد توانمندی‌اش در ایفای نقش‌های جدی و اثرگذار همواره پشت تصویر مخاطب از او به‌عنوان بازیگر نقش‌های تیپیکال کمدی پنهان

شده است. این درحالی‌است که اتفاقاً او از نقش‌های جدی شروع کرده بود. بازی ماندگارش در فیلم «ارتفاع پست» در نقش یک مامور امنیتی در حافظه سینمایی ما ثبت شده و خودش در این گفت‌وگو تأکید کرده که تنها یک نقش در عمرش بازی کرده و آن هم همین است؛ نقشی که او را در تراز توانمندی‌های خود می‌داند اما گویی این توانایی اثبات شده دیده نشده است. بهانه گفت‌وگوی ما با شهرام قائدی بر سر همین سوژه بود؛ اینکه چرا برخی از بازیگرانی که توانایی خود را در نقش‌های مکمل و کوتاه و ژانرهای گوناگون نشان می‌دهند چنانکه شایسته است قدر نمی‌بینند و در نقش‌های بلندتر استفاده نمی‌شوند. شهرام قائدی یکی از آنهاست که از این درد می‌گوید.



راستش در فیلم «آنها مرا دوست داشتند» بازی شما را دوست داشتم اما در پس آن به این هم می‌اندیشیدم که چرا شهرام قائدی را هم کمتر در نقش‌های جدی می‌بینم و هم چرابیشتر در نقش‌های کوتاه می‌بینم. جدی اینجا به معنی این نیست که کمدی کم است؛ به معنای نقش‌های غیرکمدیک است. چرا وقتی بازیگری توانمندی‌اش در نقش‌های کوتاه جدی ثابت می‌شود، نقش‌های بلندتری به او پیشنهاد نمی‌شود. این البته درباره برخی بازیگران مثل جواد عزتی، امیر جعفری، مه‌رمان غفوریان یا عباس جمشیدی هم اتفاق افتاد اما گویی یک قاعده نیست. به نظر من شما در این سال‌ها با بعضی از نقش‌ها از جمله همین فیلم دست به یک ساختار شکنی زدید و این تصویر کلیشه‌ای در ذهن مخاطب را شکاندید که شهرام قائدی بازیگر ژانر کمدی یا نقش‌های تیپیکال است.

لطف دارید به من. در مورد تمام دوستانی که همه از دوستان نزدیکم هستند و تقریباً با هم هم‌دوره‌ایم، در مورد نظر شما موافقم. به استثنای اینکه من خیلی زودتر از همه‌ی اینها قالب‌شکنی کردم. یعنی من سال ۸۰ که «ارتفاع پست» را بازی کردم و قبیش در سال ۷۹ در سریال «خاک سرخ» هم همان نقش مامور امنیتی «ارتفاع پست» را بازی کرده بودم. در واقع من قبل از اینکه بخوام با یک کمدی شروع کنم، با نقش جدی شروع کردم اما متأسفانه بعد از «خاک سرخ» و «ارتفاع پست»، من یک مشاوره اشتباهی از استادی گرفتم و یکی، دو سال کار نکردم و پیشنهادهای مشابه را رد کردم و زندگی بازیگری‌ام از این اشتباهات دچار چالش شد. آن هم فقط به‌خاطر اینکه آن استاد از نزدیک من را می‌شناخت و می‌گفت تو کم‌دین قبایلی می‌شوی. اگر در این نقش مأمور یا محافظ، گیر کنی دیگر به تو پانمی‌دهند و سینما آنقدر بی‌رحم است که این فضا را برای تو باز نمی‌کند که بتوانی نقشی را که دوست داری بازی کنی. او اعتقاد داشت، از طریق کمدی است که می‌توانی خود را تثبیت کنی و بعد به نقش‌های جدی برسی. حالا به این نتیجه رسیدیم که مشاوره آن استاد که براساس مناسبات فضای سینما در آن سال‌ها بود، درست نبود. مشاوره‌ای صادقانه که تحلیل و پیش‌بینی‌هایش درست از آب درنیامد و مسیر حرفه‌ای مرا به سمت آنچه فکر می‌کردم و دوست داشتم، نبرد. همین الان هم من درباره هر سناریو یا فیلمنامه‌ای که به من پیشنهاد بشود، با چند تا آدمی که به قول خیلی خودمونی چهارتا پیراهن از من بیشتر پاره کرده‌اند صحبت می‌کنم، مشاوره می‌گیرم و در همین فضای کوچکی که بالاخره مجالی هست دست و پای برنیم، مشاوره می‌گیرم. آن موقع هم نیت و تصمیم همین بود و این هم از این نشأت می‌گیرد که کار به‌شدت برای من حرفه‌ای و تخصصی است. از سوی دیگر مناسبات سینما و تغییر و تحولاتی که در آن اتفاق می‌افتد، چیزی نیست که من بازیگر بتوانم آن را پیش‌بینی کنم یا منتظر بنشینم و پیشنهادات را رد کنم تا نقش مورد نظرم به من پیشنهاد شود. خوب اینطور روند زندگی و معاش بازیگر دچار مشکل می‌شود. بنابراین استعداد و توانمندی‌های بازیگر و حتی علاقه او به شکل خاصی از بازیگری، همواره تابع شرایط و مناسبات تولید در سینماست؛ نه صرفاً علاقه و انتخاب‌های او. در سینما که هنر و حرفه‌ای جمعی است، انتخاب فردی یا ممکن نیست یا نمی‌تواند پایدار باشد؛ چالش بزرگ هر بازیگری این است که مدام بین بازی در نقشی که دوست دارد و حضور در سینما، در نوسان است.

**خب برخی بازیگر تیپیکال‌اند و در سینمای ژانر مثلاً فیلم‌ها یا سریال‌های کمدی و طنز می‌توانند خوب بازی کنند اما توانایی بازی در نقش‌های شخصیت‌محور را ندارند و مثلاً برای درام و تراز‌دی مناسب نیستند.**

گاهی این نه از ضعف و ناتوانی بازیگر که به‌دلیل عدم شرایط لازم برای بازیگر است که نتواند توانایی و استعداد دیگرش را به خوبی نشان دهد. در واقع گاهی ظرفیت لازم در وجود یک بازیگر هست اما از این ظرفیت به درستی استفاده نمی‌شود. گاهی فرصت و امکان لازم برای اینکه بازیگری توانمندی‌های خود را اثبات کند فراهم نیست یا محدود به برخی از بازیگران است؛ بازیگرانی که همه جا حضور دارند؛ از سینما و تلویزیون گرفته تا پلتفرم‌ها. این نقدی است که باید به مناسبات تولید یا مرام و شیوه برخی تهیه‌کنندگان و کارگردان‌ها داشت و حتی منتقدان. گاهی یک منتقد و تحلیلگر سینمایی در شأن خود نمی‌بیند که درباره فلان بازیگری که فکر می‌کند نقش کوتاه و فرعی داشته، بنویسد؛ حتی اگر خوب بازی کرده باشد. به نظرم من یکی از مهمترین چالش‌ها یا بی‌عدالتی و نابرابری‌ها در سینمای ایران این است که جایگاه بازیگران لزوماً به اندازه توانایی‌شان نیست. یکی پایین‌تر از توانایی‌اش و دیگری بالاتر از توانایی‌اش قرار می‌گیرد و مناسبات تجاری سینما اجازه نمی‌دهد در این زمینه به تعادل و توازن برسیم. چه بسیار بازیگرانی که سال‌هاست در حال تکرار خود هستند البته برخی همچنان در همین تکرار هم موفقند اما خوب همین‌ها اگر قرار باشد که در همان جا بمانند و در سطحی بالاتر مورد استفاده قرار نگیرند، به سرعت تمام می‌شوند. این قابلیت در من بوده که در همان موقعیت‌های تثبیت شده، خود را تکرار نکنم. به توانایی خود در شکل دیگری از بازیگری به‌دادم و تا آنجایی که می‌توانستم پرورش‌اش دادم و خوشحالم که منتقدی مثل شما این تلاش را دیده است.

**از طرف دیگر باید اشاره کرد که برخی از بازیگران هم در همان نقش‌های کوتاه چنان خوش درخشیدند که در حافظه سینمایی مخاطب ماندگار شدند. حتی برخی بهترین بازی در کارنامه‌شان، نقش‌های کوتاه بوده، نه نقش‌های بلند. می‌خواهم بگویم که نقش کوتاه کم‌اهمیت نیست اما وقتی بازیگری که در نقش کوتاه محک خورده و**